

اوزئیر عبدالحسین اوغلو حاجی بیگوف (۱۸۸۵-۱۹۴۸)

اوزئیر حاجی بیگوف در ۱۸ سپتامبر سال ۱۸۸۵ در یکی از روستاهای اذربایجان موسوم به (آقجا بدیع) بدنیا آمد. اوزئیر از همان آوان کودکی سخت تحت تاثیر موسیقی مردم اذربایجان قرار گرفت و همین باعث شد که بعدها با عشق و علاقه ای فروان نواختن تار را فراگیرد، تا حدی که دستگاہها و گوشه‌های بسیار مشکل را به راحتی می‌نواخت. اودرسال ۱۸۸۹ پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در مکتب دو کلاسه (روس - تاتار) وارد آموزشگاه حرفه‌ای (گوری) شد. اوزئیر همزمان با فراگیری حرفه آموزشگاری نواختن ویولون، ویولون سل، سازهای بادی و همچنین مقدمات تئوری موسیقی و سولفژ (نت خوانی) را آموخت و در گروه کر و ارکستر آموزشگاه (گوری) نیز فعالانه شرکت جست. در همین زمان او ترانه‌های عامیانه اذربایجان را به نت آورد و برای ارکستر تنظیم نمود. او در سال ۱۹۰۴ از آموزشگاه گوری فارغ‌التحصیل شد. در آن سالها همزمان با معلمی نویسندگی نیز می‌کرد و حتی چندین کتاب از آثار شاعران و نویسندگان روسیه، از جمله پوشکین، گوگول، لرماتوف، چخوف را از روسی به ترکی ترجمه و منتشر کرد.

در آن زمان مردم عادی اذربایجان هیچ تصویری از ارکستر یا گروه کر یا سازهایی مانند ویولون یا پیانو نداشتند و بنابراین فقط یک راه برای اوزئیر باقی می‌ماند و آن تلفیق موقت موسیقی اروپایی با فرمهای محلی و آلات موسیقی ملی بود. با این فکر و با تلاشی فراوان بالاخره در روز ۱۲ ژانویه سال ۱۹۰۸ اولین اپرای خود (لیلی و مجنون) را به روی صحنه آورد. کاملاً روشن است که در آن سالها، بعلاوه کوه فکریهایی که سالها پس از انقلاب اکتبر در بین مردم ریشه داشت، یافتن خواننده زنی که بتواند نقش لیلی را ایفا کند امکان پذیر نبود و به همین در اولین اجرای این اپرا، یک خواننده مرد در نقش لیلی ظاهر شد، و در یکی از اجراهای دیگر در سال (۱۹۱۶) خواننده نابغه اذربایجان و همکار صمیمی اوزئیر، پروفیسور (بولبول محمداف ۱۸۹۷-۱۹۶۱) در نقش لیلی ظاهر شد.

لیبرتوی اپرای لیلی و مجنون بر اساس اشعار سخنور نامی قرن ۱۶ اذربایجان (محمد فضولی) نوشته شده است. بدنبال اپرای (لیلی و مجنون) حاجی بیگوف اپراهای دیگری به همین سبک نوشت که عبارتند از: (شیخ صنعان ۱۹۰۹)، (رستم و سهراب ۱۹۱۰)، (شاه عباس و خورشید بانو ۱۹۱۲)، (اصلی و کرم ۱۹۱۲)، (هارون و لیلیا ۱۹۱۵). اینها هر کدام

متکاملتر از قبلی به روی صحنه میآمدند. بداهه سرایی در هر کدام کمتر و در مقابل نقش ارکستر بیشتر و مهمتر از قبلی بود تا اینکه به نقطه اوج خود، اپرای (اصلی و کرم) رسیدند، در این اپرا علاوه بر کمتر شدن بداهه سرایی و بیشتر شدن موسیقی حاصل از خلاقیت خود حاجی بیگاف و مهمتر شدن نقش ارکستر، قهرمان اصلی یعنی (کرم) با یک لایموتیف مشخص شده است و همچنین از اسلوبهای (آریوزو دکلاماسیون) و خصوصیات موسیقی (عاشیقها) نیز استفاده وسیعی شده است. لیبرتوی اپرای اصلی و کرم را خود حاجی بیگاف نوشته و مضمون آن بر اساس داستانی که عاشیقهای قرن هفدهم آذربایجان آفریده اند بنا شده است و در این اثر او با بیانی رسا، بطور کلی شکست ناپذیر بودن عشق را میسراند و فناتیزم و جهالتهای ناشی از تبلیغات کوتاه فکرهای منحط را به باد انتقاد می گیرد. به موازات اپراها، اوزئیر چند کمدی موزیکال نیز نوشته است: (ار و آرواد ۱۹۰۹)، (او اولماسین بو اولسون ۱۹۱۰ که بنام مشهدی عباد معروف است)، (آرشین مال آلان ۱۹۱۳).

حاجی بیگاف در کمدی موزیکال (او اولماسین بو اولسون) که از قدرت افشاگرانه اجتماعی و رئالستیک فوق العاده ای بر خوردار است، جهالت ناشی از روابط اجتماعی قبل از انقلاب را تحلیل می کند. داستان این اثر بر اساس ماجراهایی که از برخورد (سرور) و (گول ناز) که از روابط و آداب و رسوم آن زمان روی گردانده اند بنا شده است و این تضاد به خوبی در این اثر و موسیقی ای که روی آن گذاشته شده، بیان می گردد. در سال ۱۹۱۱ حاجی بیگاف برای تکمیل کردن دانش موسیقی خود به مسکو رفت و در کلاسهای خصوصی موسیقی مشغول به تحصیل شد و دو سال بعد نیز وارد کنسرواتوار سن پترزبورگ گردید. حین تحصیل در این کنسرواتوار بود که او بهترین کمدی موزیکال خود (آرشین مال آلان) را نوشت. او در این اثر عشق و احساسات و عواطف انسانی را تشویق می کند و قوانین و قواعد کهنه و پوسیده ازدواج را به باد انتقاد می گیرد. این اثر یکی از زیباترین آثار هنری آذربایجان است و قدرت خلاقیت حاجی بیگاف بنحو شایانی در آن متجلی است، این کمدی موزیکال به چندین زبان ترجمه شده است و در بسیاری از نقاط دنیا بارها به نمایش گذارده شده است.

مشکلات مالی حاجی بیگاف را مجبور کرد که از تحصیل در کنسرواتوار سن پترزبورگ دست بکشد و به وطن باز گردد. در آذربایجان مدیر رشته موسیقی اداره فرهنگ و معاون اول کنسرواتوار و سپس رئیس کنسرواتوار آذربایجان شد. در سال ۱۹۳۱ اولین ارکستر سازهای ملی (**خالق چالقی آلت لر آنسامبلی**) را که نوازندگان آن برای اولین بار از نت استفاده می کردند، تاسیس نمود و در سال ۱۹۳۶ نیز اولین گروه کر دولتی را تشکیل داد.

حاجی بیگاف این بار استعداد آهنگسازی خود را با تکیه بر شرایط جدید در جهات مختلف و گسترده تری نشان داد. او در این دوره اولین ارکستر مجلسی آذربایجان را تشکیل داد: (تریوی عاشیقاها) و فانتریهای (شور)، (چهارگاه) برای ارکستر سازهای ملی و دو کانتات یکی به مناسبت دهمین سالگرد برقراری حکومت جدید در آذربایجان و دیگری به مناسبت هزارمین سالگرد تولد فردوسی نوشت. همچنین ملودیهای رایج بین مردم را به نت درآورد و برای ارکسترها تنظیم نمود. به این ترتیب حاجی بیگاف مسیر خود را تا رسیدن به قله خلاقیت خود یعنی اپرای (**کوراوغلو**) پیمود و در سال ۱۹۳۷ نتیجه سالها جستجو و تحقیق در موسیقی فولکلوریک و مطالعه فرم اپرای معاصر و ارتباط این دو با هم را در قالب اپرای (**کوراوغلو**) بارور ساخت. مضمون این اثر بر اساس داستان مبارزه ملی مردم آذربایجان برای کسب آزادی پی ریزی شده و به قرن هفدهم مربوط می شود. لیبرتوی این اثر توسط (ح. اسماعیل اف) و (محمدسعید اردوبادی) نوشته شده است. مضمون عالی اندیشه های انسانی، مشخص و درخشان بودن نقش ها، موسیقی دراماتیک و برا و استفاده از زمینه های مختلف در این موسیقی، اپرای کوراوغلو را در ردیف یکی از بهترین آثار هنر اپرانویسی آذربایجان و دنیا قرار داده است.

طی سالهای جنگ دوم، حاجی بیگاف بطور خصوصی ولی پیگیر به کار خود ادامه داد، و به موازات حرفه معلمی در مضمون قهرمانیها و میهن پرستیها آثار دیگری آفرید که از آن جمله کانتات (**وطن و جبهه**) و ترانه های (**چاغریش**) و (**شفقت باجیسی**) و (**آنانین اوغلو نا نصیحتی**) را می توان نام برد. در سال ۱۹۴۵ حاجی بیگاف به مناسبت پایان جنگ اثر سنفونیک - آوازی خود بنام (**غلبه هیمنی**) را نوشت و در همان سال گنجینه با ارزش و محصول ۲۵ سال کوشش و تحقیقش یعنی کتاب (**اساس موسیقی مردم آذربایجان**) را منتشر کرد. او قصد داشت که بر اساس اشعار نظامی گنجوی رمانس - غزل بسازد ولی از این سلسله فقط توانست رمانس - غزلهای (سن سیز) و (سئوگیلی جانان) را بپایان برساند. در

سالهای آخر عمرش طرح اپرایی بنام (فیروزه) را می‌ریخت ولی این طرح جامه عمل به خود نپوشید. او در روز ۲۳ نوامبر ۱۹۴۸ در بیماری شدیدی که ناشی از کار زیاد بود و در حالیکه سراسر زندگی‌اش صرف مبارزه برای ترقی فرهنگ و هنر آذربایجان شده بود بدرود حیات گفت.

اوزئیر حاجی بیگ اف آهنگساز بزرگ، پایه گذار حرفه موسیقی، تئوریسین عالیقدر، معلم، نویسنده، شاعر، مترجم، مبارز راه آزادیو خدمتگذار خلق آذربایجان بود. تاریخ تکوین و گسترش بسیاری از مباحث در موسیقی آذربایجان همراه با نام اوست. آثاری که آفرید و خدماتیکه برای پیشرفت این رشته از موسیقی کرد، عظیم و ستودنی هستند. او مؤلف اولین اپرا و اولین کمدی موزیکال‌های آذربایجانی است. قدرت خلاقیت او، هم در آذربایجان و هم خیلی دورتر از مرزهای آذربایجان شهرت فراوانی کسب کرده است. میراث آفرینندگی او تبدیل شده است به عضوی از فرهنگ و مدنیت تمام ملت‌های جهان.

منابع:

- ۱- اپرای کوراوغلو، ترجمه و تدوین: شیوا فرهمندراد.
- ۲- اوزئیر حاجی بیگلی و جنبش مشروطه ایران: رحیم رئیس‌نیا، انتشارات چاپار.